

## از آسمان خیال به زمین واقع گرایی

دکتر زهرا طبایخی

خبر بسیار مهم وضع «تحریم ۱۰ ساله» علیه ایران در دوره‌ای که بنا بود اوباما میوه‌های باغ «دیپلماسی دوگانه» با ایران را بچیند



و به ملت آمریکا تقدیم کند، نه موجب قطع برنامه‌های عادی خیرگزاری‌های مطرح جهان شد و نه رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه کشورمان را پشت دوربین حاضر کرد تا در بحبوحه «شوک بازار» و «افزایش قیمت دلار» در بهشت پسابرجام، از بی‌اعتباری وعده سبب و گلابی باغ بگویند و به ملت دلداری بدهند. انگار نه انگار پس از مدت‌ها امتیازدهی و اجرای سیاست «تعامل سازنده» با آمریکا و خنده‌های سرمستانه بر سر میز مذاکره و حواله دادن منتقدان روند «اعتماد و اتکا به آمریکا» به جهنم داغ، دولت و تیم مذاکره‌کننده موظفند دست‌کم در ظاهر هم که شده مسؤولیت فروپاشی تصویر سراب موعود را بپذیرند (دیروز پس از گذشت ۴ روز از مصوبه سنای آمریکا بالاخره آقای روحانی در مجلس یک موضع‌گیری شفاف کردند).

برخلاف دوره پرحرف و حدیث مذاکرات و چند ماه اول پسابرجام، وضع تحریم‌های جدید چند نوع واکنش بیشتر در بی‌ناشته است: الف- اصولگرایان و حامیان استقلال ملی که پیش از وضع تحریم‌ها بر اهمیت «نقض برجام» و بروز «واکنش شدید» از سوی کشورمان در جهت حفظ منافع ملی تأکید ورزیدند.

ب- غربگرایان و حامیان دولت که اغلب پیش از وضع تحریم‌ها «نقض برجام» به واسطه تمدید داماتو (ISA) را مهم برشمردند اما حتی پس از قطعی شدن امضای «ISA» توسط باراک اوباما، تحریم ۱۰ ساله ملت ایران و نقض توافقات قبلی را با «سکوت» یا «ظهارات کم‌اثر» پاسخ گفتند.

اهمیت آنچه گذشت...

پرواضح است در میانه بروز مشکلات جدی اقتصادی و دست و پنجه نرم کردن ایرانیان با رکود و بیکاری و بی‌تدبیری و بحران‌های به دنبال آن، انتظار جدی مردم از همه گروه‌های سیاسی «وحدت» و «یکپارچگی» و برابری دشمنی است که تمام‌قد مقابل ایران ایستاده و حتی در نقض عهد و پیمان کردن حقوق ملت با وضع تحریم‌های جدید، متحد است. با این وجود برای اصلاح مسیر سیاست خارجی و عقل‌مآئش ملی زنجیر شده به آن با چشم‌دانش به عنایت و لطف کدخدا، ناگزیر از تکمیل تجربه اعتماد به دشمن و پایان امید و انتظار واهی برای سبز شدن سکه‌های طلای کاشته‌شده در سرزمین آرزوهای «توسعه بدون زحمت» با کار و تلاش آمریکا و اروپا هستیم. چه شد که به اینجا رسیدیم و از دوره سخت تحریم‌ها و عرق‌ریزان جوانان مردان و زنان ایران در مسیر خوداتکایی، بیشتر هم هزینه کردیم اما پس از بی‌اعتباری وعده‌ها، «هیچ» به دست نیآوریم؟ عبرت از تجربه مهم برجام هر چند کام هر وطن‌پرست و ایرانی درد کشیده‌ای را تلخ می‌کند اما در اصلاح حرکت جمعی، به لطف خدا و با تلاش مضاعف، حسن عاقبت را به همراه خواهد آورد.

۱- نخستین فرض مطرح‌شده در دوره اخیر حیات سیاسی غربگرایان بر این پایه استوار بود که پروسه خصومت‌ورزی آمریکا و اروپا علیه ایران ناشی از تصمیم ایران و ایرانیان به عنوان مالکان بخش عظیمی از ذخایر نفت و گاز جهان، برای دستیابی به انرژی هسته‌ای است. نظریه‌پردازان این طیف با روایت‌سازی کذب مدعی بودند انرژی اتمی، در کشورهای توسعه‌یافته دیگر خواهان ندارد و هزینه‌ای که برای دستیابی به این فناوری نوین می‌دهیم بدون بازگشت است. تأکیدشان بر این بود که ایران باید بیشتر و بیشتر نفت و گاز بفروشد تا از طریق بازگشت به نمای دوره پهلوی به عنوان «تامین‌کننده انرژی» جهان، اتحاد آمریکا با سایر کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار داده و تبدیل به «متحد درجه ۱» ایالات متحده و به عبارت تاریخی با قدرت تفویضی آمریکا، «اتحادم» غرب و جنوب آسیا شود.

قبولی تضمینی!

۲- مورد دوم ارائه این تحلیل به مردم بود که با تعطیلی داوطلبانه برنامه هسته‌ای، حسن‌نیت کشورمان به سایرین ثابت می‌شود و دشمنی‌های آمریکا نیز به پایان خواهد رسید.

ادامه در صفحه ۵



حسن روحانی با انتقاد از تمدید ۱۰ ساله تحریم‌های ISA علیه ایران:

## نقض فاحش برجام است

این اقدام پاسخ قاطعانه ما را به دنبال خواهد داشت

لاریجانی: رئیس‌جمهور آمریکا با شرافت عمل نکرد

تخت‌روانچی: اگر برخی مفاد ISA تعلیق شود، باز هم برجام نقض شده است

## آن روز که گفتیم، گفتند سکوت!

امیراستگی

در برابر اتهام‌زنی دولت و طرفدارانش دال بر بی‌سوادی و نداشتن توان فهم مناسبات جهانی و از همه بدتر ذی‌نفع بودن در شرایط وجود تحریم‌ها، به اساس استدلال‌های مان در اخیر مجلس نمایندگان و سنای آمریکا برای تمدید تحریم‌ها علیه ایران مخالف برجام و تعهدات آمریکاست». وی همچنین افزوده است: «رئیس‌جمهور ایالات متحده در برجام پذیرفته با استفاده از همه اختیارات خود، از قانونی و اجرایی شدن موارد مخالف برجام، از جمله مصوبه اخیر کنگره، جلوگیری کند. هیات نظارت بر اجرای برجام رفتار دولت آمریکا را در این زمینه به صورت دقیق رصد کرده و تصمیم‌های لازم را اتخاذ و اجرا خواهد کرد».

به نظر ما اینکه ایران چه خواهد کرد اهمیت چندانی نخواهد داشت؛ به ۲ دلیل عمده و آنهم اینکه هیچ‌الزامی برای دولت آمریکا وجود ندارد که بخواهد به تعهدات خود پایبند بماند و در این زمینه در وضعیتی قرار دارد که هر نوع واکنش ایران برای آن تقریباً بی‌اثر شده است، چرا که نه روابط اقتصادی دوجانبه‌ای وجود دارد که بشود با توسل به آن وضعیت منافع ایالات متحده آمریکا را در رابطه با ایران به خطر انداخت و نه اینکه با آنچه ایران از تعهداتش تاکنون انجام داده است، توان بازگشت سریع ایران به نقطه قبیل از برجام وجود دارد. به این دو دلیل عمده نمی‌توان انتظار داشت با بافتن رطب و یابس و اشاره مکرر به عواقب حقوقی لغو برجام!) وضعیت به نفع ایران رقم بخورد. البته ناگفته نماند در میان تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و به نوعی دست‌اندرکاران سیاست خارجی دولت یازدهم موجوداتی پیدا شدند که گفتند تحریم‌هایی که همین چند روز پیش برای ۱۰ سال دیگر تمدید شد، هرچند نقض برجام است اما در عمل تأثیر چندانی ندارد! پیش‌تر هم در پی اضافه شدن افراد و موسسات ایرانی جدید به لیست بلن‌بالای تحریم‌های آمریکا در این چندماهه پس از برجام همواره از طرف تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای کشورمان و ضمنت محکمی هم دریافت نکردند و صدالبته زنبیل صنایع هسته‌ای را برگرداندند! باز هم جای شکرش باقی است! لب کلام اینکه عجله در هر معامله‌ای به ضرر و زیان ختم می‌شود حتی اگر پياز به وسط میدان معامله برده بودیم و این همه عجله می‌کردیم بی‌شک مجبور بودیم زیر پی، آن هم نسیه! بفروشیم و بازگردیم، چه بماند یا نه. وقتی که برنامه هسته‌ای‌مان را برده باشیم.

## نگاه امروز

سخنگوی وزارت امور خارجه در واکنش به تصویب طرح تمدید ۱۰ ساله تحریم‌های ایران در سنای آمریکا گفته است: «مصوبه اخیر مجلس نمایندگان و سنای آمریکا برای تمدید تحریم‌ها علیه ایران مخالف برجام و تعهدات آمریکاست». وی همچنین افزوده است: «رئیس‌جمهور ایالات متحده در برجام پذیرفته با استفاده از همه اختیارات خود، از قانونی و اجرایی شدن موارد مخالف برجام، از جمله مصوبه اخیر کنگره، جلوگیری کند. هیات نظارت بر اجرای برجام رفتار دولت آمریکا را در این زمینه به صورت دقیق رصد کرده و تصمیم‌های لازم را اتخاذ و اجرا خواهد کرد».

به نظر ما اینکه ایران چه خواهد کرد اهمیت چندانی نخواهد داشت؛ به ۲ دلیل عمده و آنهم اینکه هیچ‌الزامی برای دولت آمریکا وجود ندارد که بخواهد به تعهدات خود پایبند بماند و در این زمینه در وضعیتی قرار دارد که هر نوع واکنش ایران برای آن تقریباً بی‌اثر شده است، چرا که نه روابط اقتصادی دوجانبه‌ای وجود دارد که بشود با توسل به آن وضعیت منافع ایالات متحده آمریکا را در رابطه با ایران به خطر انداخت و نه اینکه با آنچه ایران از تعهداتش تاکنون انجام داده است، توان بازگشت سریع ایران به نقطه قبیل از برجام وجود دارد. به این دو دلیل عمده نمی‌توان انتظار داشت با بافتن رطب و یابس و اشاره مکرر به عواقب حقوقی لغو برجام!) وضعیت به نفع ایران رقم بخورد. البته ناگفته نماند در میان تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و به نوعی دست‌اندرکاران سیاست خارجی دولت یازدهم موجوداتی پیدا شدند که گفتند تحریم‌هایی که همین چند روز پیش برای ۱۰ سال دیگر تمدید شد، هرچند نقض برجام است اما در عمل تأثیر چندانی ندارد! پیش‌تر هم در پی اضافه شدن افراد و موسسات ایرانی جدید به لیست بلن‌بالای تحریم‌های آمریکا در این چندماهه پس از برجام همواره از طرف تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای کشورمان و ضمنت محکمی هم دریافت نکردند و صدالبته زنبیل صنایع هسته‌ای را برگرداندند! باز هم جای شکرش باقی است! لب کلام اینکه عجله در هر معامله‌ای به ضرر و زیان ختم می‌شود حتی اگر پياز به وسط میدان معامله برده بودیم و این همه عجله می‌کردیم بی‌شک مجبور بودیم زیر پی، آن هم نسیه! بفروشیم و بازگردیم، چه بماند یا نه. وقتی که برنامه هسته‌ای‌مان را برده باشیم.

بهاره در این جریده و به نحای مختلف به ضعف اساسی برجام اشاره کردیم و به دفعات

## دلار ۴۰۰۰ تومان شد، زنده‌باد تدبیر و امید

محمد زعیب‌زاده

می‌شد و مردم و گروه‌های سیاسی اندک همتی در مسیر حل مشکلات اصلی کشور با نگاه به توانمندی‌های داخلی می‌دیدند، حتماً اوضاع اقتصادی کشور و شرایط اجتماعی دولت اینگونه نبود.

اگر از ابزار و روش‌های علمی برای مدیریت عرصه اقتصاد استفاده می‌شد و به‌جای کنترل دستوری تورم و حاکم کردن رکود بر کشور، تولید رونق پیدا می‌کرد امروز برای دولت جناب روحانی رکورد بالاترین نرخ بیکاری در سال‌های پس از انقلاب ثبت نمی‌شد، شفاف و اختلاف طبقاتی به نقطه اوج خود نمی‌رسید و در ۳ سال آغازین دولت عدد ضریب جینی به ۰/۳۷ نمی‌رسید و در سال ۹۵ و در یک سالگی برجام که دولت قول هر روز یک گشایش را داده بود به رکورد دست نیافتنی ۰/۳۹۹ نمی‌رسید و سهم ۱۰ درصد ثروتمند جامعه به ۱۰ درصد فقیر به نسبت افسانه‌ای ۹/۷۲ می‌رسید و رقم نقدینگی در عرض ۲ سال با افزایش به رقمی بیش از ۹۰۰ هزار میلیارد نمی‌رسید تا صدای هاشمی‌رفسنجانی هم به نقد بلند شود و فنر نقدینگی چنان کشیده نمی‌شد که فعالان بازار هر لحظه منتظر در رفتن آن و سونامی قیمت‌ها در بازار باشند.

امروز در یک سالگی برجام برای چرایی افزایش ۸۰۰ تومانی قیمت دلار می‌توان دلایل متعددی آورد؛ می‌توان از کلان تا خرد دلایلی‌های عده‌ای متنفذ و همیشه در صحنه در حوزه ارز نوشت، می‌توان از کم‌جانی و کم‌مایگی دولت در اقتصاد گفت، می‌شود از برنامه دولت برای جبران کسری بوجه نوشت و شاید همه این عوامل در این افزایش قیمت موثر باشند اما به نظر می‌رسد مهم‌تر از همه اینها ابطال آدرس غلطی باشد که عده‌ای سعی کردند در این سال‌ها به مردم نشان دهند.

پارسال همین موقع‌ها بود که عده‌ای از مردم در خیابان‌ها خوشحال از وعده هر روز یک گشایش پسابرجامی انتظار دلار هزار تومانی را می‌کشیدند اما از آن زمان تا کنون تقریباً به اندازه همان هزار تومان دلار افزایش قیمت پیدا کرده است! آن بندگان خدا تقصیری نداشتند؛ ۲ سال و اندی گوش و چشم‌شان را هر کجا می‌چرخاندند از سخنرانی فلان مسؤول تا تحلیل روزنامه‌های زنجیره‌ای تا بی‌بی‌سی فارسی همه می‌گفتند راه صلاح و سعادت، بستن با کدخداست.

ادامه در صفحه ۵

## روزنه

«ما شاهدیم که دلار بعد از چند ماه به چندین برابر قیمت افزایش پیدا می‌کند؛ مشکل کجاست؟ مشکل عدم مشورت، خودشیفتگی، عدم استفاده از ابزار علمی برای اداره کشور و بی‌ثباتی‌هاست».

اگر روزی روزگاری، وقت و فرصتی باشد و کسی بخواهد در میان سخنرانی‌ها و قول‌هایی که حسن روحانی در ایام تبلیغات انتخاباتی بر زبان رانده است جست‌وجو کند به نکات بامزای خواهد رسید که هر کدام از آنها می‌تواند سوزی یک یادداشت، عنوان یک پایان‌نامه یا حتی جامه‌ای یک تله‌فیلم مفرح برای ظهرهای جمعه باشد اما شخصاً بعید می‌دانم هیچ‌یک از آنها همچون جمله بالا بتواند به شکل جامع و مانع اوضاع این روزهای دولت جناب روحانی را بعد از ۴ سال توصیف کند، تقریباً در جمله بالا هیچ لفظ اضافی وجود ندارد و انصافاً عدم مشورت، خودشیفتگی، عدم استفاده از ابزار علمی برای مدیریت کشور و بی‌ثباتی پایه اصلی مدیریت به سبک روحانی است که در این ۳ سال و اندی در روح و روان مدیریت کشور تهنشین شده و تبدیل به فرهنگ شده است.

اگر از سر خودشیفتگی و با نگاه عاقل‌اندرسقیه با منتقدان مساله توافق هسته‌ای برخورد و با عجله سعی نمی‌شد عوض همه کم‌کاری‌ها و به‌جای یک توافق خوب، استراتژی توافق به هر قیمتی را اجرا کرد، امروز به نقطه تقریباً هیچ نمی‌رسیدیم؛ امروز که جمعی از اقتصاددانان معتقدند افزایش قیمت دلار کاملاً طبیعی و ریشه جهش در قیمت دلار برقرار بودن تحریم‌های بانکی است و در نقطه‌ای قرار داریم که دولت نفت می‌فروشد اما قادر به گرفتن پول آن به طور طبیعی نیست و دلار در بانک‌های خارجی که هنوز قفل تحریم بر آنهاست انباشته شده و با دستاورد تقریباً هیچ بانکی، دسترسی بانک مرکزی به دلار روز به روز کمتر می‌شود.

اگر در بعد مشورت‌پذیری، دولت تنها به حلقه چند نفره مشاوران امنیتی و اساتید عملیات روانی بسنده نمی‌کرد و حرف همه دلسوزان انقلاب را می‌شنید و اندکی به کار می‌بست امروز شاهد چنین اوضاعی نبودیم. اگر نسخه خطرناک مشاورانی که دولت را به‌جای حرکت در ریل اصلی مسائل کشور یعنی اقتصاد و مقابله با فساد به سمت و سوی ایچا حاشیه‌های درجه چند می‌کشاند کنار گذاشته

تقدیم لایحه بودجه ۹۶ به مجلس

## دلار دولتی و بنزین گران می‌شود

رئیس‌کل بانک مرکزی:

## بانکها می‌توانند ارز آزاد خرید و فروش کنند

## آتش‌سوزی در کنسرت اوکلند با ۴۰ کشته

## ۴ هزار خطا در سیستم قطار سمنان

استیضاح «آخوندی» روی میز هیأت رئیسه

استفان دی‌میستورا:

## حلب تا پایان ۲۰۱۶ آزاد می‌شود

## امان از حقوقدانی که اولیات حقوق را هم نداند!

حمید رحیمی‌نژاد

آقای محمودصادقی شب ۷ آذر پس از فرار از جلب توسط ضابطان قضایی با تثبیت به هر حشیشی من‌جمله تمسک به نمایندگان مجلس و مردم و دیگر مسؤولان اظهاراتی در دفاع از خود داشتند و همچنین بیبانه‌ای نیز در این باره دادند و نهایتاً این‌طور اظهار داشتند که روند جلب ایشان غیرقانونی بوده است.

ایشان در فایل صوتی‌ای که در ابتدای این جریان منتشر شد گفتند به خاطر «غیرقانونی بودن حکم جلب» در برابر ضابطان مقاومت کرده‌اند و به استناد «ماده(۱) قانون اساسی(۱)» که بعد در بیانه توضیح می‌دهند منظورشان اصول ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی است در برابر ضابطان قضایی مقاومت کرده‌اند و طبق این اصول و همچنین آیین‌نامه داخلی مجلس و ماده ۹ قانون نظارت بر نمایندگان، ضابطان قضایی حق بازداشت ایشان را نداشتند! این اظهارات در وهله اول خود نشانگر امر مهمی است و آن یعنی اینکه جناب صادقی قبول دارند حکم جلب صادر شده برای ایشان از نظر رعایت آیین دادرسی کیفری مشکلی ندارد و به همین دلیل ایشان متعرض این امر نشده‌اند و تنها دلیل غیرقانونی بودن از نظر ایشان این است که خلاف مصونیت پارلمانی نمایندگان مجلس است. حال بهتر است نگاهی به آیین دادرسی کیفری بیندازیم تا ببینیم در چه صورتی حکم جلب صادر می‌شود. طبق آیین دادرسی کیفری علی‌الاصول برای رسیدگی به یک شکایت ابتدا برای متهم احضاریه فرستاده می‌شود. طبق ماده ۱۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری «متهمی که بدون عذر موجه حضور نیابد یا عذر موجه خود را اعلام نکند، به دستور بازپرس جلب می‌شود». پس ابتدا با توجه به اظهارات صادقی که اصلاً به عنوان دانشیار حقوق دانشگاه به این قوانین آگاهند باید گفت پیش از حکم جلب، ایشان برای رسیدگی احضار شده‌اند ولی اعتنایی به احضار به دادگاه نداشتند و باعث شده‌اند دادستان حکم جلب ایشان را صادر کند که این خود نشان‌دهنده این امر است که این شکایت‌ها پیش از این‌ها صورت گرفته و با بی‌اعتنایی ایشان بالاخره حکم جلب صادر شده است.

ادامه در صفحه ۵